

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

به نام خداوند جان و خرد

مرز های نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی تا کجاست ؟

منزل خارج کرده و به سوی گورستان لواسان ببرند و وقتی اعضای خانواده سحابی و یارانش که در همان ساعات اولیه صبح در آنجا حاضر بودند میخواستند مراسم تشییع را زود تر از ساعت مقرر آغاز نمایند همان نیروها در بیرون از منزل و در کوچه از تشییع جنازه بر روی دوش که سنتی مذهبی معمول و شناخته شده است، ممانعت به عمل میآورند. و وقتی خانم هاله سحابی فرزندشجاع مهندس سحابی نسبت به این جلوگیری معترض میشود در مقابل دیدگان ده هانفر ناظر، مورد ضرب و شتم قرار میگیرد و بدنبال بیهوش شدن او را به بیمارستان لواسان روانه میکنند و پیکر مهندس سحابی را نیز در آمبولانس قرار داده و به طرف محل دفن میبرند. مراسم تدفین در فضائی شدیداً نظامی امنیتی انجام میشود و حدود ساعت ده صبح که شرکت کنندگان در مراسم به خانه مهندس سحابی بازگشته بودند خبر میرسد که خانم هاله سحابی هم در بیمارستان در گذشته است. درخواست خانواده سحابی برای معاینات پزشکی قانونی و روشن شدن علت مرگ او به جائی نمیرسد و در همان شب و در زیر نور پروژکتور پیکر خانم هاله سحابی نیز در کنار پدرش به خاک سپرده میشود. عصر روز پنجشنبه ۱۲ خرداد دولت از برگزاری مراسم ترحیم مهندس عزت الله سحابی هم جلوگیری بعمل میآورد و مردم با درب بسته مسجد حجت ابن الحسن روبرو میشوند و خیابان سهروردی شمالی تهران با حضور گسترده نیروهای انتظامی بصورت میدان جنگ در میآید و تعدادی از مردم مضروب و عده ای هم بازداشت میشوند. پس از شهادت خانم هاله سحابی، آقای هدی صابر دوست همفکر و هم‌رزم نزدیک مهندس عزت الله سحابی که در زندان اوین در بازداشت به سر میبرد به عنوان اعتراض به این رویداد دست به اعتصاب غذا میزند. او پس از چند روز اعتصاب غذا دچار حمله قلبی میشود، ولی زندانبانان به او توجه لازم رانشان نمیدهند. او را خیلی دیر به درمانگاه زندان میبرند و از ضرب و شتم او نیز خودداری نمیکنند و سرانجام وقتی حال او به وخامت میگردید او را به بیمارستان مدرس منتقل میکنند آقای هدی صابر نیز در بیمارستان نا بهنگام چشم از جهان فرو میندند. این است چگونگی حقوق بشر در جمهوری اسلامی و برخورد حکومت با آزادیخواهان ارجمندی چون مهندس عزت الله سحابی و خانم هاله سحابی و آقای هدی صابر.

در این دوساله پس از انتخابات سرعت چرخ اعدام ها بسیار بیشتر شده و ایران از نظر تعداد اعدام ها در ردیف دوم جهان پس از چین قرار دارد. در حالیکه چین بیش از یک میلیارد دویست و سی میلیون نفر یعنی نزدیک به بیست برابر ایران جمعیت دارد. جمهوری اسلامی بزرگ ترین زندان روزنامه نگاران شناخته شده است. و اصولاً هیچ روزنامه آزادی که بتواند نظرات مردم ایران را منعکس نماید منتشر نمیشود. هیچ سازمان سیاسی غیر دولتی امکان فعالیت آزاد راندارد. تعداد زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی بالا ترین رکورد جهانی را داراست. و تعداد زیادی از این زندانیان هم اکنون در زندان اوین در حال اعتصاب غذا به سر میبرند. اگر قتل های زنجیره ای و سرکوب مداوم مردم و حوادث زندان کهریزک و موارد منجر به شهادت هاله سحابی و هدی صابر نقض فاحش حقوق بشر نیست پس نقض حقوق بشر چیست ؟

ملت ایران به دلیل استبداد و دیکتاتوری و فساد و نقض حقوق انسانی خود توسط رژیم سلطنتی گذشته در سال ۱۳۵۷ بی نظیر ترین انقلاب تاریخ خود را رقم زد و با آن انقلاب امید داشت که به حکومتی پایبند به دموکراسی و حقوق بشر دست یابد. ولی از همان آغاز پیروزی انقلاب حکومت جمهوری اسلامی عدم پایبندی به رعایت حقوق بشر وزیر پا نهادن حقوق انسانی و امنیت قضائی مردم ایران را از خود نشان داد. در ابتدا بر خوردهای خشونت بار، با اعدام های بدون محاکمه یا با محاکمات چند دقیقه ای و بدون رعایت موازین قانونی در مورد مقامات لشگری و کشوری رژیم سابق آغاز شد. سپس همین رویه ها در مورد سایر متهمین و مخالفین در گروه های مختلف به اجرا در آمد. گروه های سیاسی با هر نوع طرز تفکری غیر از تفکر گروه حاکم یکی پس از دیگری مورد هجوم قرار گرفته و از صحنه سیاسی کشور کنار زده شدند. ماجرای اعدام های فله ای در زندان ها و ماجرای نفرت انگیز قتل های زنجیره ای و قتل داریوش و پروانه فروهر و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده و اشخاص دیگر داستان های غم انگیزی است که تاریخ هرگز آنها را فراموش نخواهد کرد. اگر بر خوردهای خشونت آمیز و عدم رعایت حقوق بشر سال ها و تا خرداد ۸۸ فقط نسبت به مخالفین و مبارزین سیاسی و دیگر اندیشان اعمال میگردید، پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۸۸، اینگونه برخورد ها به نحوی مضاعف و گسترده نسبت به شهروندان عادی که فقط به نتیجه انتخابات معترض بودند صورت پذیرفت. جالب اینکه این انتخابات هم مانند سایر انتخابات های صورت گرفته در جمهوری اسلامی با پدیده شگفت انگیز « نظارت استصوابی » شورای نگهبان و تعیین کاندیداها توسط حکومت صورت گرفته بود. و تازه در چنین انتخاباتی که کاندیدا های آن همگی از طرف حاکمیت معرفی شده بودند چنان ناروایی هائی روی داد که اعتراضات میلیونی مردمی را که به امید هائی به پای صندوق های رای رفته بودند به دنبال داشت. اعتراضاتی که حاکمیت نام « فتنه » بر آن نهاد. در رویدادهای پس از آن انتخابات کشته شدن ده هانفر از مردم در خیابان ها و زندانی شدن صدها نفر را شاهد بودیم. کشته شدن چندین زندانی در پی ضرب و شتم بیرحمانه در زندان کهریزک جامعه را تکان داد. در این دوساله اعمال خشونت و سرکوب و نقض حقوق بشر محدوده های قبلی را هم در هم نوردیده و به مرزهای تازه ای رسیده است. در هفته های اخیر در گذشت مهندس عزت الله سحابی رویدادهای حیرت انگیز و باور نکردنی را به دنبال داشت. خانواده سحابی تصمیم میگیرند که مراسم تشییع جنازه او را از منزل آن شادروان واقع در محدوده کوچک لواسان که در چند کیلومتری خارج از تهران قرار دارد بعمل آورده و تدفین رانیز در گورستان همین شهر که انجام دهند ولی از ساعات اولیه صبح روز چهارشنبه ۱۱ خرداد صدها نیروی ضد شورش موتور سوار و ده ها خودروی مملو از نیروهای انتظامی و نیروهای لباس شخصی در خیابان شهر لواسان و خیابان منتهی به گورستان این شهر استقرار یافته و منظره یک شهر اشغال شده را به لواسان میدهند. صبح زود و قبل از رسیدن ساعت مقرر برای تشییع پیکر مهندس سحابی، نیروهای امنیتی و نظامی اصرار میورزند که پیکر او را زودتر از

نوگرایی یا مدرنیسم

«ملت» است و هیچ عامل دیگری نمی تواند و نباید کار ملت را به جای او انجام دهد.

بدین لحاظ، تلاش اینگونه مبارزات ملی وطن خواهانه پاره ای از کشورهای زیر سلطه استعماری را به استقلال رسانید که شاخص ترین آن در تاریخ معاصر، نهضت ملی شدن نفت ایران با هدایت و حذاقت شادروان دکتر محمد مصدق صورت پذیرفت، که موجبات تحول سیاسی کشورهای دیگری را نیز در خاورمیانه و آسیای مرکزی فراهم آورد. و شگفت انگیزترین آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تقسیم آن به تعدادی کشورهای مستقل با هویت ملی است. در حال حاضر با فروپاشی ابر قدرت شوروی دیگر جهان بین دو قطب شرق و غرب تقسیم شده نیست. و ملل جهان سوم میتوانند و باید بتوانند نقش اساسی و حساس تری را در انتخاب مواضع جدید خود در ارتباط با مسائل بین المللی ایفا کنند و با هم آهنگی، نیروهای بالقوه بزرگ و نیرومندی را در عرصه ی سیاست های جهانی به وجود آورند. میتوان با اطمینان ادعا کرد که در آینده پیشرفت و سعادت متعلق به کشورهایی است که با حفظ نیروهای معنوی، ملی، خویشتن را به تمدن علمی و نوآوری های اقتصادی و صنعتی آراسته کنند. امید آن که بدست آوردن آزادی و مجهز شدن به علم زمان و ایجاد همبستگی همتراز با سایر ملل بتواند عامل تسکین اعصاب کوفته از وابستگی ها در کشورهای جهان سوم باشد.

جغرافیائی خویش را مطرح می ساختند. بدین ترتیب منادیان دو الگوی نوگرایی، باور و تصور مردم جهان را از حقیقت و کاربرد مدرنیسم منحرف ساختند و با آنکه هر دو صحبت از نوگرایی میکردند ولی به خوبی مشهود بود که بشارت این واقعیت را نداشت که:

«انسان آزاد به دنیا آمده و بایستی آزاد زیست کند.»

بدان ترتیب ابر قدرت چپ یعنی شوروی با پشت پرده کشیدن نیمی از قاره اروپا، با استفاده از تبلیغات و تاکتیک های براندازی، کشورهای جهان سوم را هدف تسلط خود قرار داده بود. و قدرت راست یعنی آمریکا با کاربردهای استعماری نوین با شدت به مقابله با رقیب جهانی خود میپرداخت. تاجائی که به تدریج پایگاه قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی فرهنگی پاره ای از آن کشورها با استقرار نوعی دولت های دست نشانده، تحت الشعاع امیال و منافع بین المللی آن دو ابر قدرت قرار گرفته بود و آن دولت ها ارزشهای ملی را به بی اعتباری و حذف هویت می کشاندند. همانطور که اشاره شد، پس از جنگ جهانی دوم که مبارزات و رقابت های دو امپریالیزم شرق و غرب، صرف توسعه نفوذشان در حوزه های جغرافیائی جهان سوم میگردید. در گوشه هایی از آسیای مرکزی و خاورمیانه، مللی که خواهان نوگرایی، پیشرفت و تجدید حیات اجتماعی بر مبنای استقلال، هویت ملی و اصالت فرهنگی بودند، پدیده ای از قیام ضد استعماری بوجود آوردند و پیام آنان همواره چنین بود که: (مهمترین واحد در امور جهان

در قرن اخیر کیفیتی نوظهور در اساس تاریخ معاصر ظاهر گردیده که آثار آن در کلیه کشورهای جهان سوم به نحوی جلوه گر شده و به نظر میرسد که بنیاد سنتی و تاریخی اکثر آن کشورها را با نوعی دگرگونی روبرو ساخته است و آن مسئله ی نوگرایی یا مدرنیسم میباشد. بایک تعریف، نوگرایی تلاش برای آزاد شدن از قید گذشته و حرکت به جهت آینده بهتر است. بدین سبب مدرنیسم پیشرفت را در پیروی از علم جستجو می کند و علم حصولی را راهیاب حقایق علمی می شمارد. علمی که عمل به آن در قرن اخیر موجبات شکوفائی شگفت انگیزی در تمام شئون ورشته های تمدن بشری را فراهم آورده است. به قول آگوست کنت «بشر قرن بیستم در جبر تاریخ، در دوره تحقق علمی قرار دارد». اولین تحول فلسفی نوگرایی پس از انقلاب کبیر فرانسه در قرن نوزده مطرح گردید. با شروع قرن بیستم جوامع غربی، بارشد تدریجی در راه نوگرایی قدم برداشتند. انقلاب روسیه، جامعه نوپای دیگری را متکی به فلسفه نوگرایی از نوع مارکسیستی مطرح ساخت. و از آن پس، بعد از پایان جنگ جهانی دوم اتفاق شرق و غرب به رقابتی فراگیر در جهان مبدل گردید. و هر دو سیستم با آخرین نیروهای تهاجمی و دفاعی مجهز بودند. و هر دو نشانده یکسان از قدرت بورا کراتیک دولتی داشتند. و با حرکت در راه بی پایان رشد مادی، میلیون ها انسان را به مفاهیم انتزاعی و تلقینی دولت هایشان متعهد می ساختند و با روش های عظیم تبلیغاتی، مبانی ایدئولوژیکی، فلسفی و

این همه خشونت مردم ایران را به کجا میبرد؟

اصفهان (سرهنگ کرمی راد) به گزارش سایت اینترنتی تابناک (وابسته به آقای محسن رضایی) میگوید: اگر در این حادثه خانمها دست کم حجاب را در باغ رعایت میکردند، شاید مورد اذیت و آزار قرار نمیگرفتند. با چنین گفته‌هایی بنظر میرسد حکومت از وظیفه اصلی خود که حفظ امنیت و حقوق انسانی مردم ایران میباشد بازمانده است شاید لازم به توضیح بیشتر نباشد که وظیفه اصلی نیروهای انتظامی در این موارد پیگیری و دستگیری مجرمان و برهم زندگان امنیت عمومی است و عواملان جنایت و جرم باید تحویل مقامات قضائی داده شوند. وظیفه مامورین انتظامی اقداماتی است که از تکرار فجایع پیشگیری شود. فرمانده محترم نیروی انتظامی اصفهان وارد بحث دیگری شده است که در حوزه روانشناختی و آسیب شناسی اجتماعی میباشد و در وظیفه و صلاحیت کارشناسان و مددکاران اجتماعی است در کنار قوه قضائیه به این مهم اجتماعی باید بپردازند. معاون اجتماعی فرماندهی نیروی انتظامی در هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ اظهار داشته است که زنان بد حجاب پنجاه درصد قربانیان جرایم اذیت و آزار را تشکیل میدهند. بنا به همین آمار اگر درست باشد ۵۰ درصد نیز شامل زنان با حجاب کامل است و اختصاص به بد حجابها ندارد و بزبانی روشن تر این خشونت‌ها زائیده خشونت‌های مختلفی است که به جامعه زیان وارد کرده است و بنظر میرسد توجه به این آسیب اجتماعی سالهاست بفراموشی سپرده شده و یا حکومت صلاح خویش را در اعمال خشونت که ترس میافزیند میداند. صدای اعتراض بعضی نمایندگان مجلس هم گوش شنوائی ندارد. آقای ابطحی نماینده خمینی شهر در جلسه روز سه شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۹۰ در نطق خود گفت: در ماه رجب ماه توبه و استغفار، اتفاق شنیع ورود به یکی از باغهای خمینی شهر و آدم ربایی و تجاوز محکوم است و اظهار تاسف نمود که حرفی از اصلاح و آشتی نیست و همه اش خشم و نفرت است. بی توجهی‌ها به وقوع جرایمی مانند آنچه گفته شد، به افزایش این جرایم در نقاط دیگر کشور می انجامد که از آنجمله در روستای (قوژد) از توابع کاشمر واقع در استان خراسان رضوی، ده مردبسه یک زن روستایی تجاوز کرده و میگریزند. هر چند نیروهای انتظامی تعدادی را دستگیر کرده اند ولی مردم روستا از نحوه پیگیری نگرانند. در این روستا بحث شاکی خصوصی مطرح شده و دیده شده در جرایم ناموسی چون هتک حرمت خانواده دادستان موظف است بعنوان نماینده مردم مجرم و یا مجرمین را شناسایی و بمجازات برساند. در پی خشم مردم روستا امام جمعه کاشمر میگوید: تجاوزات دسته جمعی و سازمان داده شده به نوامیس مردم در شهر دارالمومنین مایه تاسف است. اما آیا این اظهار تاسف کفایت میکند؟ جرائمی که دومورد آنرا برشمردیم در اثر آسیب سلامت جامعه شکل گرفته است. ایران زمین از دیرباز سرزمین دوستی‌ها و آشتی بوده است، کشاندن جامعه بسوی خشونت‌های رفتاری برای جوامع مصیبت بار است اگر رفتارهای حاکمیت بگونه‌ای باشد که خشونت ترویج شود تکرار جنایات و فجایعی نظیر آنچه رخداد هر روز افزایش می یابد و بازگشت به صلح و آشتی نیاز به مدتی بسیار طولانی دارد.

همه جا را خشونت فرا گرفته است. حکومت برای ایجاد رعب و وحشت با آوردن نیروهای انتظامی، سربازان در حال خدمت دوران نظام وظیفه و لباس شخصی‌ها و نیروهای ضد شورش، همه روزه کوچه‌ها و خیابانها را چون صحنه جنگ می آراند، و می‌خواهد به همه مردم بگوید که صاحبان قدرت نیرویی شکست ناپذیرند و حاکمان تا لحظه مرگ و در مراسم تشییع و خاکسپاری در گذشتگان نیز از قدرت نمایی نمیکاهند و هیچ اجتماع مردمی هر قدر هم محدود باشد تحمل نمیکنند، نمونه‌های آن در یکی دو هفته اخیر در تشییع پیکر زنده یاد مهندس سبحانی و کشته شدن هاله زندانی اوین که فرزند سبحانی بود و در پی آن شهادت هدی صابر پس از اعتصاب غذای درون زندان می بینیم که خشونت نامحدود حاکمیت جهانی رابه شگفت آورد. فشارهای بر قدرت نشستگان و اعمال انواع سخت گیریها در سه دهه ایکه گذشت، آنهم پس از انقلابی که ملت ایران برای آزادی و رهایی از خشونت و استبداد برایش بسیار هزینه داده بود موجب آسیب های روانی جامعه شده و چهره ملتی را که در دنیا به مسالمت جویی مطرح بود، مخدوش ساخته است. افزایش قتل‌ها و جنایات و رفتارهای بدور از مقام انسانهای متمدن میتواند نتیجه خشونت‌های دولتی باشد. در اینجا به علل خشونت‌های حکومتی نمیپردازیم، بلکه نگاهی به نتایج اندوهبار خشونت در جامعه ایرانی داریم. خبر تاسف برانگیز هجوم اوپاش به باغی در خمینی شهر اصفهان که خانواده‌ای در آنجا جشن تولد گرفته بود یکی از خبرهای دوماهه اخیر است، اوپاش به باغ حمله میکنند و پس از ضرب و شتم مهمانان، دست و پا‌های مردان را می بندند و به تعدادی از دختران و زنان بیش‌رمانه تجاوز میکنند. خبر در شهر می پیچد و گروه‌هایی دسته جمعی به اعتراض برمی خیزند ولی جواب‌های مسئولین شهر آنرا قانع نمی کند. این حادثه خبر از نبودن امنیت فردی و اجتماعی حتا داخل مکانهای خصوصی میباشد. هیچ قانونی چنین اعمالی را تایید و یا توجیه نمیکند. این خبرها نشانه هرج و مرج و بی قانونی و اقدامات خودسرانه ایست که از سوی ارادل و اوپاش در نقاط مختلف سر میزند و جای افسوس است که گاه از سوی مسئولین محلی با بیان کلماتی تشویق میشوند. همه میدانند که از وظایف اولیه مامورین انتظامی حفظ جان و مال همه باشندگان ایران است. همه شهروندان مجرم و یا غیر مجرم باید از قانون پیروی کنند و کسانی حق ندارند به سلیقه خود امنیت اشخاص دیگر را پایمال کنند، این روش‌های وحشیانه بدوران قبل از تشکیل دولت در سرزمینهای جهان باز میگردد. چگونه است که در قرن بیست و یکم میتوان شاهد چنین اقدامات و وحشیانه بود؟ اگر جرمی از فرد یا افرادی سر بزند فقط دستگاههای قضایی و انتظامی برابر قانون حق رسیدگی و در صورت تخطی از قانون مجازات افراد را دارند. ارادل و اوپاش نباید تصور کنند که مجازاتی در پیش رو ندارند. پس از اعتراض وسیع مردم، امام جمعه خمینی شهر پاسخ میدهد: اگر خانمها حجاب درستی داشتند مورد تجاوز قرار نمیگرفتند! در حالیکه امام جمعه خمینی شهر بخوبی میداند که بد حجابی و یا عدم رعایت آن برابر قوانین جمهوری اسلامی چه مجازاتی دارد؟ در جایی دیگر، فرمانده نیروی انتظامی

مسئولیت های تشکیلاتی

اصول اعتقادی جبهه ملی ایران
بر گرفته از اساسنامه جبهه ملی

اصل اول- حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم- تاکید بر تامین و حفظ حقوق و آزادی های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هر گونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم- جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین مبین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تاکید میکند.

اصل چهارم- استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم- احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش های تمامی تیره ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم- تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم- اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پشتیبانی از اصول و هدفهای منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هر گونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.

یک فرد تشکیلاتی که به سازمان پر افتخار جبهه ملی ایران پیوسته و قصد دارد همگام با سایر همفکران در جهت استقرار حاکمیت ملی و اعتلای این مرز و بوم تلاش نماید، موظف است اصول اولیه تشکیلاتی بودن را همواره مد نظر داشته و شرافتمندانه در رعایت این وظایف کوشا باشد. این اصول تشکیلاتی کدامند؟

۱- اعتقاد واقعی و باطنی و کامل به هفت اصل اعتقادی جبهه ملی ایران مندرج در اساسنامه که به طور خلاصه شامل باور داشتن به آزادیهای اساسی ملت ایران، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، استقرار حاکمیت ملی مبتنی بر آراء ملت در نظام جمهوری، استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و جدائی دین از حکومت.

۲- یک عضو جبهه ملی علاوه بر اینکه باید به اصول اعتقادی جبهه ملی پایبند و وفادار باشد بلکه باید در تبلیغ این اصول و مطرح کردن آنها در هر کانون و جمع اجتماعی و در هر رسانه عمومی ساعی و کوشا باشد.

۳- اعضای جبهه ملی باید قواعد دموکراسی را ابتدا در درون سازمان خود رعایت نمایند یعنی عقاید و نظرات خود را مطرح و از آنها دفاع کنند ولی نظر دیگران را نیز بشنوند و سرانجام به نظر اکثریت و خرد جمعی گردن نهند و از آن تبعیت نمایند.

۴- یک عضو جبهه ملی در هر رده ای باید در جلسات و کانون های جبهه ملی مربوط به خود و هم چنین در مراسم و جلسات عمومی که به نحوی به جبهه ملی و شان و اعتبار آن مربوط میشود با سعی کامل و علاقه وافر حضور یابد.

۵- یک عضو جبهه ملی باید خود را موظف بداند که بیانییه ها و نشریات جبهه ملی را در حد توان خود در محافل مختلف از قبیل تجمعات خانوادگی، محیط کار، محل سکونت و هر جا که مصلحت باشد توزیع نماید.

۶- یک عضو جبهه ملی باید در حد توان خود از کمک به صندوق جبهه ملی دریغ ننماید. و در صورت امکان کمک های مالی علاقمندان و هواداران را نیز جمع آوری و به مسئولین مالی تحویل دهد.

۷- یک عضو جبهه ملی باید کوشش نماید که هر چه بیشتر افراد شایسته و باصلاحیت و اصیل جامعه را با اصول اعتقادی و اهداف جبهه ملی ایران آشنا و آنان را به سازمان های صنفی سیاسی جبهه ملی معرفی نماید.

۸- یک عضو جبهه ملی باید نمادی از راستگویی و صداقت، ادب و متانت و پاکدامنی و درستیکاری باشد. تا همه کسانی که با او در ارتباط قرار میگیرند، او را فردی شرافتمند و انسانی فرهیخته و صدیق به شمار آورند.

توضیح و تصحیح

در نشریه شماره ۱۸۳ در مقاله وقایع ایران در سال ۱۳۸۹ درآمد دولت از فروش نفت ۴۳۰ میلیارد دلار ذکر شده بود که این درآمد مربوط به تمام دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد از سال ۸۴ تا کنون است و نه منحصرًا مربوط به سال ۱۳۸۹.

هموطنان عزیز

با تکثیر و توزیع این نشریه و ارسال آن برای دیگران از هر طریق که امکان آن را دارید ما را یاری دهید.

سپهر ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliiran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com